

روش‌شناسی بومی‌سازی در حقوق^۱

دکتر ناصرعلی منصوریان*

چکیده

«بومی کردن به معنای تغییر شکل دادن کالا و عناصر جهانی و هم‌خوان کردن آن با شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی خودی است». مراد از بومی‌سازی در علم حقوق پذیرش یک قاعده یا هنجار یا نهاد حقوقی است آن‌گونه که در تعارض با اصول و قواعد حقوقی ملی قرار نگیرد، ناهنجاری اجتماعی به‌وجود نیآورد، و نظام حقوق داخلی بتواند آن را درک و در خود جذب کند. ورود یک قانون ناهماهنگ در جامعه‌ی معین سوای آثار اجتماعی یا سیاسی آن می‌تواند نظام حقوقی را دچار اشفتگی و ناکارآمدی نماید.

عنصر اصلی بومی‌سازی در حقوق تزاخم یا تعارض هم‌زمان دو فرهنگ است که مبنای فلسفی یا ساختاری دو نظام حقوقی را تشکیل می‌دهند. جامعه‌ی پذیرنده یا واردکننده‌ی هنجار حقوقی یا نهاد حقوقی ناگزیر است در چارچوب ضرورت تعاملات حقوقی به هنگام همانندسازی، جابه‌جایی، جذب، انطباق یا اتحاد - به مثابه مولفه‌های پیش‌بینی شده‌ی بومی‌سازی حقوقی - آن هنجار یا نهاد را با مجموعه نظام حقوقی که جزء

۱. تقدیم به روان پاک استاد فقیدم دکتر محمدعلی حکمت که در ادبیات حقوقی‌اش، حفظ فرهنگ بومی و ملی را همواره ارج می‌نهاد.

* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی .

انفکاک‌ناپذیر فرهنگ ملی است هماهنگ سازد. از این‌رو دشواری کار بومی‌سازی عمدتاً در گزینش متدولوژی است که در این فرایند باید به کار گرفته شود.

روش‌شناسی حقوقی تطبیقی به ما می‌آموزد که پذیرش یک قانون خارجی نباید تقلیدی و ترجمه‌گونه باشد، بلکه باید با پیکره‌ی نظام حقوقی داخلی هماهنگ گردد. برقرار کردن این هماهنگی هنگامی که اسلامی کردن قاعده، هنجار یا نهاد حقوقی بیگانه ضرورت دارد، دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود. از جمله عرصه‌های فرایند بومی‌سازی «اروپایی شدن» نظام‌های حقوقی داخلی کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. در چارچوب ضرورت تعاملات حقوقی، این کشورها ناگزیرند در روند همانندسازی و جابه‌جایی و جذب هنجار یا نهاد، حقوق اروپایی را با نظام حقوق ملی خود هماهنگ سازند. «جهانی شدن حقوق» دیگر پدیده‌ای است که در دو دهه‌ی اخیر به مسئله‌ی بومی‌سازی حقوقی ابعاد حساس‌تر و گسترده‌تری داده است. حاکمیت ملی کشورها که نگهبان نظام حقوق داخلی است در برخورد با الزامات رو به رشد جهانی شدن، ضمن هم‌زیستی با این پدیده و انطباق اجتناب‌ناپذیر خود، می‌کوشد در فرایند بومی کردن جایگاه سیاسی - حقوقی خود را حفظ کند.

کلید واژگان

روش‌شناسی، بومی‌کردن، اسلامی کردن، حقوق تطبیقی، اروپایی شدن، جهانی شدن.

«حقوق همچون تاریخ یکی از عناصر فرهنگ است»^۲

(میشل ویرالی - استاد فقید دانشگاه سوربن پاریس)

مقدمه

«بومی کردن به معنای تغییر شکل دادن کالاها و عناصر جهانی و هم‌خوان کردن آن‌ها با شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه خودی است. این فرایند به گونه‌ای بسیار جذاب، به‌طور هم‌زمان برخوردار از فرهنگ خودی و جذب عناصری از فرهنگ دیگر را به شیوه‌ی مناسب امکان‌پذیر می‌سازد. تثبیت این شیوه برای جوامعی که در پی بهره‌گیری از امکانات و دستاوردهای دیگر فرهنگ‌ها هستند یکی از اصول الزامی پیشرفت است. به سخن دیگر، بومی کردن گونه‌ای از دیالکتیک عام/خاص یا جهانی/محلی است. خاص کردن امر عام، خاص کردن عام‌گرایی است (...). فرهنگ‌های خاص با فرهنگ عام جهانی وارد دادوستدی پیچیده می‌شوند تا همراه با حفظ ویژگی‌های خود، از مزایای فرهنگ جهانی نیز برخوردار گردند»^۳.

با این تعریف عام بومی‌سازی که از دکتر رسول ربانی یک استاد جامعه‌شناس به عاریت گرفته شده است، در عرصه‌ی حقوق مراد از بومی‌سازی پذیرش یک قاعده، یک هنجار یا نهاد حقوقی است آن‌گونه که در تعارض با اصول و قواعد حقوقی ملی قرار

2. Michel Virally, "Les différends Juridiques Irano - Américains, La Confrontation entre deux Civilisations", in Annales de Fondation des Sciencs Politiques, 1986, p. 7.

۳. ربانی، رسول، و احمدی، یعقوب «جهانی شدن و آینده فرهنگ‌های بومی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۴، ص ۴۸.

نگیرد، ناهنجاری اجتماعی به وجود نیآورد و نظام حقوقی داخلی بتواند آن را درک و در خود جذب کند. ورود یک قانون ناهماهنگ با داده‌های فرهنگی جامعه‌ای معین سواى آثار اجتماعی یا سیاسی آن می‌تواند نظام حقوقی را دچار اشفتگی و ناکارآمدی نماید.

عنصر اصلی بومی‌سازی در حقوق تراحم یا تعارض هم‌زمان دو فرهنگ است که مبنای فلسفی یا ساختاری دو نظام حقوقی را تشکیل می‌دهند. جامعه پذیرنده یا واردکننده هنجار حقوقی یا نهاد حقوقی ناگزیر است در چارچوب ضرورت تحولات حقوقی به هنگام همانندسازی،^۴ جابه‌جایی،^۵ جذب،^۶ انطباق^۷ یا اتحاد^۸ - به مثابه مولفه‌های پیش‌بینی شده بومی‌سازی - آن هنجار یا نهاد را با مجموعه نظام حقوقی که جزء انفکاک‌ناپذیر فرهنگ ملی است هماهنگ سازد. از این‌رو دشواری کار بومی‌سازی عمدتاً در گزینش متدولوژی است که در این فرایند باید به کار گرفته شود.

در پژوهش حاضر، ابتدا، بومی‌سازی را در چارچوب روش‌های حقوق تطبیقی مطالعه می‌کنیم (گفتار اول)، سپس روند بومی‌سازی حقوقی، کشورهای اروپایی را در برخورد با نظام حقوقی اتحادیه اروپا مورد تحقیق قرار می‌دهیم (گفتار دوم) و نهایتاً نقش جهانی شدن

-
4. Assimilation.
 5. Transposition.
 6. Integration.
 7. Adaptation.

۸. در خصوص اتحاد (Unification) ر.ک. می. ری دلماس - مارتی، «به دنبال حقوق جزای مشترک اروپایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، شماره بیست و یکم، ۱۳۷۶، صص ۲۱۱-۱۸۱ به ویژه صص ۱۹۰-۲۰۲.

را در ارتباط با بومی‌سازی بررسی می‌نماییم (گفتار سوم). چنین مطالعه‌ای ما را به نتیجه‌گیری‌های کلی هدایت خواهد کرد.

گفتار اول - بومی‌سازی در حقوق تطبیقی

نسبی بودن حقوق و مفاهیم حقوقی مبنای روش‌شناسی حقوقی تطبیقی است. این حقوق و مفاهیم به تناسب فرهنگ کشورها و اجتماعات، متغیر و متنوع‌اند. «حقوق تطبیقی، در واقع روشی است که برای موضوعات و منظوره‌های مختلف می‌توان از آن استفاده کرد. همچون مقایسه‌ی قوانین همه‌ی ملل در تمامی ادوار تاریخی یا تطبیق احکام یک مسئله‌ی کوچک در عرف دو محل (...). در هر جامعه‌ای یک روح ملی وجود دارد. اگر این روح در قوانین جامعه منعکس نباشد قطعاً چنین قوانینی متناسب با چنان ملتی نخواهد بود».^۹

به قول مونتسکیو:

«قوانین باید ان‌چنان مخصوص ملتی که برای آن وضع شده است باشد که اگر اتفاقاً قانون ملی متناسب با ملتی دیگر درآید این اتفاق از عجایب روزگار تلقی گردد. قوانین باید متناسب با وضع ظاهر کشور، آب و هوا، خاصیت اراضی و نوع زندگی مردم بوده و مربوط به مذهب، ساکنین، تمایلات، ثروت، جمعیت، تجارت، عادات و آداب آن‌ها باشد».^{۱۰} از

۹. افشار، حسن، کلیات حقوق تطبیقی، چاپخانه کیهان، ۱۳۴۶، صص ۹، ۱۴ و ۲۲.

۱۰. همان، ص ۱۳. مونتسکیو که در قرن هفدهم میلادی می‌زیسته است، در رمان معروف «نامه‌های ایرانی» وقتی از شخصیت ازبک به‌عنوان یک ایرانی سخن می‌گوید توضیح می‌دهد که کوشیده است مکاتبات

این رو حقوق در مقام پدیده‌ای برآمده از اجتماع هرگز نمی‌تواند از اداب و رسوم جاری و مورد پذیرش جامعه برکنار بماند. حقوق در عین تفاوت با رسوم اجتماعی، تا حد زیادی بازتاب رفتار اجتماعی در قالب نظم اجتماعی است.^{۱۱}

پاسکال می‌گوید:

«حق و ناحق به اختلاف اقلیم‌ها تغییر خاصیت می‌دهند. سه درجه پیش‌روی به طرف قطب، حقیقتی را که در یک عرض جغرافیایی، رویه‌ی قضایی به‌وجود آورده است واژگون می‌سازد. چه مسخره است عدالتی که یک رودخانه یا یک کوه جلوی آن را بگیرد. حقیقت این سوی کوه در آن سوی کوه اشتباه است»^{۱۲}. «حقوق تطبیقی بر آن است که به بهره‌گیری از تجربه‌ی همه‌ی ملل، حقوق‌دانان را در مورد نقش و مفهوم حقوق روشن کند»^{۱۳}.

پروفسور نی بوایه فرانسوی می‌گوید:

←
یک ایرانی را برای جامعه‌ی فرانسویان ترجمه کند. او اضافه می‌کند: «همه‌ی زحمت من این بوده که کار را براخلاق حسنه‌ی خودی منطبق کنم». در حقیقت، این کار همان چیزی است که امروزه آن را بومی کردن می‌نامیم. ر.ک.

Montesquieu, *Lettres Persanes*, éd Gallimard, Paris, 1973, p. 48.

۱۱. ساکت، محمدحسین، حقوق‌شناسی (دیباچه‌ای بر دانش حقوق)، تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۵۲۵.

۱۲. افشار، پیشین، ص ۱۴.

۱۳. داوید رنه و اسپینوزی، کامی ژوفره در آمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه و تلخیص سیدحسین صفایی، چاپ پنجم، ۱۳۸۳، صص ۲۵-۲۶.

«حقوق تطبیقی مانند نورافکنی است که از خارج بنای حقوق داخلی را روشن می‌کند و ریزه‌کاری‌های آن را عیان می‌سازد»^{۱۴}.

سخن زیبایی اندر مالرو شایسته‌ی ذکر است که:

«نبوغ یونانی در مقایسه‌ی یک مجسمه‌ی یونانی با مجسمه‌ای مصری یا آسیایی بهتر درک خواهد شد تا آنکه بخواهیم فقط صدها مجسمه یونانی را بشناسیم»^{۱۵}.

روش حقوق تطبیقی امر جدیدی نیست و از جمله اولین کارها کتاب خلاف شیخ طوسی در فقه است که طی آن به تطبیق احکام فقهی در مذاهب مختلف اسلامی پرداخته شده است. «همچنین علامه حلی در کتابی با عنوان «مختلف الشیعه» مسائل حقوقی فقه امامیه را از نظر فقیهان شیعه با مذاهب اربعه عامه مورد تطبیق قرار داده است»^{۱۶}. در مطالعه‌ی او به جایگاه قیاس به عنوان منبع نزد مذاهب اربعه توجه داده شده است؛ چه اینکه «قیاس مقوله‌ای بشری و دست‌آوردی انسانی برای دستیابی به یک نظام حقوقی منسجم و در واقع تجلی عقل ابزاری در تمثیت روابط حقوقی ادمیان است»^{۱۷}.

هشت قرن پس از علامه محلی، فویرباخ المانی نیز در کتاب «مطالعه‌ای در باب علم جزای قرانی» مطالعات حقوق تطبیقی انجام داده است؛ هدف او پایه‌گذاری علم حقوق

۱۴. افشار، پیشین، ص ۱۰۹.

15. André Malraux, *Les Voix du Silence*, Paris, 1964, p. 21.

۱۶. رفیعی، محمدتقی، حقوق تطبیقی، تهران: مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۳۱.

۱۷. سیمایی صراف، حسین، قیاس در استدلال حقوقی؛ مطالعه تطبیقی در فقه، نظام حقوقی ایران و کامن‌لا، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۲.

جهانی بود. به اعتقاد او «تحول ملت‌های مختلف با حفظ خصوصیات آن‌ها به طرف وحدت کامل صورت می‌گیرد»^{۱۸}.

با وجود این، شک نیست که پیشرفت حقوق تطبیقی در قرن بیستم خارق‌العاده بوده است.

عملکردهای حقوق تطبیقی را می‌توان در دو زمینه اصلی شناسایی کرد:

- ۱- اصلاح قوانین ملی و کمک به مراجع داخلی در حل تعارض قوانین؛
- ۲- اتحاد قوانین ملی در گستره‌ی نظام‌های منطقه‌ای و فدرال؛ که به مطالعه این دو زمینه می‌پردازیم.

بند اول - اصلاح قوانین ملی و کمک به مراجع داخلی در حل تعارض

قوانین

مصادیق تاریخی بسیاری در خصوص تنظیم و تدوین قوانین با توجه به تجربیات دیگران وجود دارد؛ برای مثال مجموعه‌ی یوستی‌نیان مبنای مجموعه قانون مدنی فرانسه معروف به کد ناپلئون قرار گرفت^{۱۹}. همچنین در خصوص اصلاح قوانین ملی مثال‌های فراوانی وجود دارد. پارلمان فرانسه قبل از جنگ دوم جهانی به سال ۱۹۳۶ نظام تامین

۱۸. افشار، پیشین، صص ۱۹-۱۶.

۱۹. پاشا صالح، سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ص ۳۵۳.

اجتماعی را به تصویب رساند. این ابتکار تقنینی مبتنی بر گزارش دکتر شوو^{۲۰} منتشره در روزنامه رسمی سال ۱۹۳۵ سنا به‌عنوان سند الحاقی شماره ۴۳۵ بود که در آن پس از مطالعه‌ای در قوانین خارجی به‌ویژه قوانین المان، گزارش‌گر منافع و خطرات قانونی را که از نظام قانون‌گذاری المان تقلید شده باشد برشمرده بود.^{۲۱}

موارد قابل توجهی از این گونه اقتباسات در حقوق ایران نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال در حقوق مدنی ایران تقسیم‌بندی اموال به منقول و غیر منقول از حقوق اروپایی اقتباس شده است. ارائه‌ی گواهی صحت زوجین در موقع عقد ازدواج نیز از کشورهای غربی اقتباس گردیده است. مورد اخیر اما، سالیان زیادی طول کشید تا در جامعه‌ی ایرانی پذیرفته شود. این امر گویای آن است که باید زمینه‌ی فرهنگی سرایت کلی حقوق یک کشور به کشور دیگر آماده باشد؛ در غیر این صورت یا به سختی پذیرفته می‌شود یا پس از اندکی به شکست منتهی می‌گردد.^{۲۲} مثال موفق دیگر در این زمینه اقتباس از نظام فرانسوی دوگانه و ایجاد نهادی شبیه شورای دولتی در ایران است. شورای دولتی پس از اینکه علی‌رغم تصویب «قانون راجع به شورای دولتی» در ۱۳۳۹ هرگز ایجاد نشد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی با عنوان زیبای «دیوان عدالت اداری» در اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی جای گرفت و به جهت هماهنگی و سازگاری با جامعه‌ی مذهبی ایرانی، ابطال تصمیمات و

20. Chauveau.

21. René Rodière, *Introduction au droit Comparé Dalloz*, 1979, pp. 33-38.

۲۲. افشار، پیشین، صص ۱۹۳-۱۹۲ و ۱۹۷.

مقررات به استناد مغایرت با موازین شرعی در کنار مغایرت با موازین قانونی در صلاحیت‌های این مرجع قضایی قرار گرفت. امری که به سرعت از سوی شهروندان پذیرفته شد و هم‌اکنون خواسته‌ی بسیاری از دعاوی مطرح در هیئت عمومی دیوان، ابطال مقررات با استناد به موازین اسلامی است.

رنه داوید^{۲۳} که قانون مدنی اتیوپی را نوشته بود برای این کار قبلاً چندین بار به اتیوپی رفته، آنجا زندگی کرده و با مردم اتیوپی و استادان بومی حشر و نشر کرده بود؛ چرا که در مطالعات تطبیقی و در پذیرش یک قانون در کشور نباید کورکورانه تقلید کرد بلکه باید ویژگی‌های جامعه را لحاظ نمود. داوید اعتقاد داشت که در نظام رومی - ژرمنی، حقوق لازمه‌ی زندگی اجتماعی است و همه‌ی امور را نظام می‌دهد؛ در حالی که در نظام‌های فلسفی - مذهبی خاور دور، حقوق یک بد ضروری است.^{۲۴}

اصلاح قوانین ملی در چارچوب نظام حقوقی اسلام و در کشورهای اسلامی تحت عنوان اسلامی کردن مطرح می‌شود. در رویکرد اسلامی بومی‌سازی نهادها، سه مرحله پیش‌بینی می‌شود: ابتدا نهاد مورد نظر از یک نظام حقوقی که قاعدتاً ساختاری متفاوت با نظام اسلامی دارد، اخذ می‌شود. سپس شناخت و تحلیل و فهم نهاد بررسی می‌گردد و نهایتاً «سومین مرحله‌ی بومی‌سازی درج نهاد اخذ شده در نظام حقوقی اسلام است». کاربرد

23. René David.

۲۴. داوید رنه، نظام‌های مهم حقوقی، ترجمه سیدحسین صفایی و عزت‌ا... عراقی، تهران: میزان، ۱۳۷۹،

صص ۸۴-۸۳.

این روش به اسانی انجام نمی‌گیرد و ضرورتاً اشتراک مشروعیت مبانی می‌طلبد.^{۲۵} متدولوژی حقوق تطبیقی نیز به‌عنوان کمکی برای حل تعارض قوانین در حقوق بین‌الملل خصوصی به کار می‌رود. برای دادگاه‌های فرانسوی که دیرزمانی به اختلافات خانوادگی زوجین مختلط فرانسوی - الجزایری رسیدگی می‌کردند شناخت حقوق خصوصی الجزایر اجتناب‌ناپذیر بود. این نیاز برای مراجع قضایی دنیا در مقام رسیدگی به اختلافات تجاری شرکت‌های چندملیتی همچنان وجود دارد، چرا که قانون لازم‌الاجرا همیشه قانون مقر دادگاه^{۲۶} نیست و غالباً قانون محل انعقاد قرارداد^{۲۷} حاکم بر حل و فصل اختلافات است.^{۲۸}

در روند اعمال روش تطبیقی، همان‌گونه که پروفیسور رودیر می‌گوید: «حقوق تطبیقی به برخورد هنجارهای خارجی محدود نمی‌شود و می‌کوشد جریان‌های واقعی زندگی مشترک را بشناسد. متخصص حقوق تطبیقی نباید در عرصه‌ی مطالعه‌اش خود را فقط به شناخت قوانین و مقررات محدود کند، بلکه باید همه‌ی منابع حقوق، مبانی فرهنگی و اصول تصویب و تفسیر هر نظام را بشناسد».^{۲۹}

۲۵. رک. حکمت‌نیا، محمود، «بومی‌سازی نهادهای حقوقی با رویکرد اسلامی»، مجله فقه و حقوق، سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۸۴، ص ۷۵-۶۱.

26. Lex fori.

27. Lex Loci actus .

28. R. Rodière, opcit. pp. 38-44.

29. Ibid., p. 141.

بند دوم- اتحاد قوانین ملی در گستره‌ی نظام‌های منطقه‌ای و فدرال

حقوق تطبیقی در ایجاد وحدت حقوقی سهم بزرگی دارد. مقصود پیدا کردن راه‌حلی است که قبول آن در دو یا چند کشور آسان‌تر و عملی‌تر باشد. روش این است که نخست همه‌ی قوانینی که باید جای خود را به قانون واحدی بدهند به دقت مورد مطالعه قرار بگیرند. سپس مقایسه شروع می‌شود تا نقاط مشترک و موارد اختلاف آن‌ها معلوم گردد. این روش در دو مرحله‌ی اعمال می‌شود: مرحله وحدت حقوق داخلی یک کشور و مرحله‌ی وحدت حقوق داخلی بین چند کشور. در واقع ابتدا حقوق مشترک تشخیص داده می‌شود سپس قانون واحد تدوین می‌گردد.

کشورهای فرانسه، ایتالیا و آلمان در قرن نوزدهم وحدت حقوق داخلی خود را عملی کردند. این امر در آلمان پایه‌های نظام فدرال را تقویت کرد. گفته می‌شود که این روش در حقوق بین‌الملل نیز تاثیر می‌گذارد و به صلح دایم کمک می‌کند.^{۳۰}

در باره آنچه به ایران مربوط می‌شود، سوای مورد اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اجازه‌ی رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲، وحدت حقوق برقرار بوده و یکپارچگی تقنینی وجود دارد. در سال‌های اخیر کوشش‌هایی برای اتحاد برخی از مقررات حقوق ایران با سایر کشورها به‌ویژه در بخش‌های اقتصادی و تجاری انجام شد که مهم‌ترین آن‌ها قانون داوری تجاری بین‌المللی

۳۰. افشار، پیشین، صص ۲۸۳-۲۸۱ و ۳۴۱-۳۴۰. همچنین رک. شیروی، عبدالحسین حقوق تطبیقی، تهران: سمت، ۱۳۸۷، صص ۸۱-۵۶.

ایران در سال ۱۳۷۶ و پذیرش کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در سال ۱۳۸۰ و تصویب قانون تجارت الکترونیک در سال ۱۳۸۳ بود. تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی و تصویب قانون پول‌شویی از دیگر هماهنگی‌های دولت در این زمینه است.^{۳۱}

در سطح منطقه‌ای، کمیسیون اقتصادی اروپا وابسته به سازمان ملل متحد را می‌توان مثال زد که هدفش ارتقای سطح همکاری اقتصادی بین اعضا می‌باشد و از جمله وظایف آن توسعه کنوانسیون‌های بین‌المللی و قراردادهای استاندارد است. استانداردسازی قراردادها مشخصاً یکی از فرایندهای اتحاد قوانین ملی در سطح منطقه‌ای است.^{۳۲} این‌گونه اتحاد حقوقی در سطح منطقه‌ای اتحادیه اروپا بازتاب‌های جدید و گسترده‌ای پیدا نموده است.

گفتار دوم - بومی‌سازی و اروپایی شدن حقوق

مراد ما این‌جا از اروپایی شدن، ارتباط حقوقی عمودی اتحادیه اروپا با کشورهای اروپایی عضو آن است. در چارچوب تعاملات حقوقی، ارتباط افقی بین کشورها همانست که اشاره شد و موضوع حقوق تطبیقی اروپایی قرار می‌گیرد، یعنی زمینه‌ای برای تکوین حقوق واحد اروپایی است.^{۳۳} در واقع در این ارتباط عمودی هر جا میان حقوق جامعه اروپا

۳۱. همان، صص ۸۱-۸۲.

۳۲. همان، صص ۷۸-۸۰.

۳۳. رنه داوید، پیشین، صص ۷۲-۷۳.

و حقوق ملی تعارضی رخ دهد، برتری با حقوق جامعه خواهد بود. چه اینکه در مقایسه با پیمان‌های عادی بین‌المللی، پیمان جامعه اقتصادی اروپا، نظام حقوقی خاص خود را ایجاد کرده و طبق آن دول عضو، حقوق حاکم خود را در چارچوب قلمروهایی معین محدود ساخته‌اند و بدین لحاظ مقررات حقوق داخلی نمی‌تواند آن را نقض نماید.^{۳۴}

مسئله اینست که چگونه کشورهای عضو اتحادیه، اسناد حقوقی کنفدراسیون اروپا را بر شرایط فرهنگی - اجتماعی خاص خود منطبق می‌سازند، و هر کدام از آن‌ها در روند جذب ترتیبات حقوقی اروپا در مجموعه تقنینی خود، اصول و مبانی فرهنگی - اجتماعی خویش را حفظ می‌کند و هماهنگ‌سازی و اتحاد داده‌های حقوقی را تضمین می‌نماید.^{۳۵}

متدولوژی اروپایی شدن تحت عنوان دو اصطلاح به کار گرفته می‌شود: یکی به‌عنوان «جابه‌جایی» که دارای کاربرد تقنینی است، و دیگری به‌عنوان «اعمال مستقیم»^{۳۶} که در رویه‌ی قضایی به کار می‌رود.

بند اول - کاربرد تقنینی

کلیدواژه‌های کاربرد تقنینی در حقوق داخلی، جابه‌جایی، جذب و انطباق می‌باشند

۳۴. کاتبرت، مایک حقوق اتحادیه اروپا، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۴۴.

۳۵. رک. حسن‌وند، محسن دستورگرایی در عرصه فراملی، بررسی نمونه اتحادیه اروپا، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۱.

36. Direct Application.

که با وجود تفاوت‌های ظریف‌شان عموماً به‌طور مترادف استعمال می‌شوند. منظور از جابه‌جایی عملی است که به‌موجب آن دولت یک قاعده یا نهاد را در نظام حقوقی خود وارد می‌کند و از این ره‌گذر تعهد خود را نسبت به یک معاهده‌ی بین‌المللی محقق می‌سازد.

قواعد حاصله از حقوق اروپایی را «رهنمودها»^{۳۷} می‌نامند. پیاده کردن رهنمودها که برای دولت‌های عضو اتحادیه اروپا امری داخلی محسوب می‌شود جنبه‌ی تقنینی دارد؛ یعنی در انتخاب متن تقنینی (قانون، آیین‌نامه، بخشنامه) هر کشوری روش خود را اعمال می‌کند. جابه‌جایی رهنمودها به قانون‌گذاری بهینه کمک می‌نماید. این رهنمودها علی‌الاصول مستقیماً قابل اعمال در نظام داخلی نیستند، اما باید طبق قانون یا آیین‌نامه به نظام داخلی انتقال یابند یا در آن جذب شوند.

در عمل ۸۰ درصد قوانین اقتصادی دولت‌های عضو از همین هدف‌گذاری‌ها سرچشمه می‌گیرند. در این کار غالباً به استانداردها نیز توجه می‌شود.

جابه‌جایی، جذب و انطباق صلاحیت‌های نهادهای ملی در برخورد با نهادهای اروپایی مبتنی وجودی اتحادیه اروپاست. در این خصوص کشورهای عضو واکنش مشترکی ندارند. تنها هلند و اسپانیا با هیچ مشکلی در این جابه‌جایی مواجه نیستند، زیرا قوانین اساسی‌شان به نحو انعطاف‌پذیری با اعمال معاهدات اروپایی برخورد کرده‌اند. مصادیقی از این‌گونه روش‌های تقنینی را ذکر می‌کنیم:

37. Directives.

روش انتقال تقنینی در فرانسه طی ماده ۸۸ قانون اساسی که روابط جمهوری فرانسه را با اتحادیه اروپا تنظیم می‌کند، آمده است.^{۳۸} علاوه بر آن، این‌نامه ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۴ روش انتقال تصمیمات سازمان‌های اروپایی را در نظام حقوقی داخلی ارائه کرده است.^{۳۹} به موجب بند ۲ ماده ۸۸ قانون اساسی فرانسه:

«فرانسه با انتقال صلاحیت‌های لازم جهت استقرار اتحادیه اروپا و اتحادیه پولی اروپا موافقت دارد». سپس در بند ۳ ماده مزبور، بر ضرورت رعایت رفتار متقابل تاکید کرده و امکان مشارکت شهروندان اروپایی در انتخابات محلی را پیش‌بینی می‌کند. لیکن مشارکت آن‌ها را در انتخابات سناتوری نمی‌پذیرد و به هر حال تعیین شرایط اعمال رهنمودهای اتحادیه اروپا را در خصوص انتخابات داخلی فرانسه به تصویب یک قانون بنیادین منوط می‌سازد. در واقع قانون اساسی فرانسه هدف‌گذاری‌های اروپا را در خصوص مشارکت مردمی بومی کرده است.

در حیطه‌های مختلف، نظام حقوقی فرانسه اقدام به جابه‌جایی، جذب و انطباق مقررات اروپایی نموده است. قانون ۱۳۱۹-۲۰۰۵ مصوب ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ مربوط به محیط زیست می‌شود که به موجب آن فرانسه متعهد می‌گردد چهار اقدام از جمله تضمین حقوق شهروندان اروپایی را به شرط داشتن اطلاعات مربوط به محیط زیست و همچنین نظارت بر مواد شیمیایی انجام دهد.

38. H. Oberdorff, Les Constitutions de l'europe des Douze, df., 2e.é d., 1999. pp. 139-140.

39. Journal Officiel de La République Française du 2 Octobre 2004, Texte 1 Sur 89.

در حیطه مسائل مرتبط با تامین اجتماعی نیز قانون ۱۵۶۴-۲۰۰۵ مصوب ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ ترتیبات مختلف جذب مقررات اروپایی را در نظم حقوق داخلی پیش‌بینی کرده است.

در خصوص نظام دادرسی، جذب و انطباق حقوق اروپایی در نظام حقوق داخلی موضوع گزارش فرانسوا زوکتو بوده و لایحه قانونی شماره ۳۳۰ (۲۰۰۴-۲۰۰۵) یک نظام معاضدات قضایی را که بیشتر به نفع شهروندان اروپایی است [که درگیر دعوایی مدنی یا تجاری در فرای مرز کشور عضو باشند]، پیش‌بینی کرده است.^{۴۰}

بند دوم- رویه قضایی

در این‌جا منظور عملکرد قضایی حقوق داخلی کشورهای عضو در برخورد با اعمال معاهدات اروپایی است. قضایی داخلی خود را موظف می‌بیند ضمن اعمال معاهده‌ی اروپایی حساسیت‌های ملی را لحاظ کند. معاهدات تصویب شده مستقیماً قابل اعمال هستند و اشخاص حقیقی می‌توانند در محاکم علیه دولت یا اشخاص حقیقی به آن معاهدات استناد کنند. الزامی بودن مقررات اتحادیه علیه سازمان‌های دولتی و دول عضو را الزام بلافصل^{۴۱} عمودی و اعمال آن‌ها علیه اشخاص خصوصی را الزام بلافصل افقی نامیده‌اند.^{۴۲} این حق با آن که قضایی داخلی صرفاً ملزم به اعمال قانون اساسی و قوانین عادی متبوع خود

40. www.Legifrance, gouv.

41. Direct Effect.

۴۲. کدخدایی، عباس، ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۰۴-۱۰۵.

است، مورد سوال واقع نمی‌شود (مثال ماده ۱۷۸ قانون اساسی لهستان).^{۴۳} درباره‌ی آنچه به قاضی قانون اساسی مربوط می‌شود، به‌عنوان مثال در فرانسه نقش شورای قانون اساسی طبق قانون اساسی نظارت بر انطباق قانون عادی با قانون اساسی و نیز نظارت بر هماهنگی قانون اساسی با تعهدات بین‌المللی و معاهدات اروپایی است. اما اگر در مقام نظارت انطباق قانون عادی با تعهد بین‌المللی باشیم فقط دیوان عالی کشور و شورای دولتی صلاحیت رسیدگی دارند. در عین حال شورای قانون اساسی صلاحیت دارد قانونی را که ناقض مندرجات «رهنمودهای اروپا» باشد لغو کند. زیرا در چارچوب ترتیبات ماده ۸۸ قانون اساسی قرار می‌گیرد.^{۴۴}

طبق رویه قضایی دیوان دادگستری جامعه اروپا، محاکم داخلی از جمله محاکم قانون اساسی، صلاحیت ندارند هیچ سند حقوق اروپایی را ابطال کنند. شورای دولتی فرانسه صلاحیت دارد شرایط لازم را برای سازش و هماهنگی قانون اساسی با ضرورت‌های عضویت فرانسه در اتحادیه اروپا بررسی و تصمیم‌گیری نماید.^{۴۵}

در اینجا ما با پدیده جذب هنجار حقوقی اروپا در نظام داخلی مواجه هستیم. قاضی فرانسوی موظف است حقوق بین‌المللی اروپایی را همچون حقوق داخلی خود اعمال کند، چه این حقوق مبتنی بر معاهدات جامعه اروپا یا اتحادیه اروپا و چه مبتنی بر کنوانسیون

43. W. Czaplinski, Poland's Way to the European Union - Legal Aspects, Warsaw Scholak Publishing House, 2002, pp. 9-29.

44. www. eurogersinfo. Com.

45. www. Conseil-etat. Fr (Communiqué de Presse du 8 Février 2007).

اروپایی حقوق بشر باشد. در این کار همچنین باید رویه‌ی دیوان‌های اروپایی را لحاظ کند. اگر معاهدات اروپایی دارای اثر اعمال مستقیم هستند، تفسیر قانون داخلی در قبال آن‌ها توسط دیوان دادگستری جامعه اروپا ارزیابی می‌شود. البته اعتبار احکام دیوان اروپایی حقوق بشر در استراسبورگ در مقایسه با احکام دیوان دادگستری جامعه اروپا نسبی است. در واقع در چارچوب رسیدگی قضایی، ما در این جا مواجه با یک نوع جدال بین حقوق داخلی و اروپا هستیم.^{۴۶} آگاهی از اروپایی شدن حقوق ما را به شناخت جهانی شدن حقوق ترغیب می‌کند.

گفتار سوم- بومی‌سازی و جهانی شدن حقوق

جهانی شدن یک حادثه‌ی تاریخی است با محتوای جغرافیایی که اثرش پدیدار شدن فضایی خاص در گستره‌ی زمین است؛ حرکتی تدریجی به سمت وحدت حقوقی که با تشکیل سازمان ملل متحد، تاسیس دادگاه‌های بین‌المللی و صدور اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر شکل گرفت.^{۴۷} با این حال اگرچه قدمت این اندیشه به قرن پانزدهم باز می‌گردد اما به

۴۶. برای شناخت ابعاد این قضیه در زمینه حقوق کیفری و حقوق ارتباطات رک. ۱-می. ری دلماس - مارتی، پیشین. ۲- معتمدنژاد، رؤیا «دیوان اروپایی حقوق بشر و پشتیبانی از آزادی مطبوعات»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۵-۲۱۶، صص ۵۸-۶۹.

۴۷. لوی برول، هانری جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۶، صص ۱۳۵-۱۳۴.

مفهوم کنونی بیش از همه گویای گسترش مبادلات اقتصادی در سطح جهانی در ربع آخر قرن بیستم است.

فرایند جهانی شدن حقوق مبتنی بر انتقال برخی ارزش‌هاست. گسترش رقابت اقتصادی، وجود حکومت قانون، حقوق بنیادین و حمایت از محیط زیست، مصادیقی از این ارزش‌ها به‌شمار می‌روند. گفته می‌شود که در جهانی شدن حقوق دو محور لحاظ می‌گردد: حقوق اقتصادی - تجاری و حقوق بشر. طبیعی است از آنجا که در حقوق اقتصادی - تجاری ساختارهای ملی نقش مهمی دارند و در نظام بین‌المللی حقوق بشر هم حساسیت‌های فرهنگی - اجتماعی نظام داخلی بروز می‌کنند مسئله بومی‌سازی و جست و جوی روش‌هایی برای تلطیف آن در جامعه موضوعیت پیدا می‌کند.

مظهر کامل جهانی شدن اقتصادی، سازمان جهانی تجارت است که همه‌ی کشورها را به اطاعت از ضوابط و ضروریات خویش فرا می‌خواند. بومی‌نگه داشتن اقتصاد ملی در چنین موقعیتی آسان نیست. در جهانی شدن حقوق بشر، ارزش‌های مبنایی همچون دموکراسی، برابری انسانی و برخورداری از محیط زیست جذابیت و مقبولیت جهانی پیدا کرده‌اند و لاجرم تمامی جوامع را به پذیرش خویش فرا می‌خوانند.^{۴۸} متدولوژی بومی‌سازی در چنین روندی بسیار چالش‌برانگیز و حساس است و به سادگی محقق

۴۸. نیز رک. می. ری دلماس - مارتی، جهانی شدن حقوق: چالش‌های سه گانه، ترجمه علیرضا میلانی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲، صص ۷۷-۳۱.

نمی‌شود.^{۴۹}

اساسی‌ترین زمینه‌ی جهانی شدن حقوق در سال‌های اخیر زمینه‌ی کیفری است که با تشکیل چندین مرجع قضایی محاکمه‌ی جنایتکاران جنگی مرتکبین جنایت علیه بشریت در پایتخت حقوقی دنیا، لاهه تجسم عینی پیدا کرده است.

در تحول جدید، حقوق کیفری با آن دسته از اصول و موازین حقوق بشر که جنبه‌ی کیفری دارد عجین شده است. اما حقوق کیفری در پرتو تعامل با حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق تطبیقی و یافته‌های علمی و به‌ویژه دستاوردهای جرم‌شناسی در دهه اخیر تحولات چشم‌گیری به خود دیده است. تحول حقوق کیفری را در تعامل با اسناد بین‌المللی که به جهانی شدن مفاهیم و اصول آن کمک کرده است می‌توان با ذکر مثالی روشن کرد: از این قرار که اصل برائت جای خود را به اماره مجرمیت در دسته‌ای خاص از جرایم داده است. حقوق بین‌الملل و تحت تاثیر آن قانون‌گذاران داخلی با رعایت اصول دادرسی عادلانه به جای اصل برائت، اماره‌ی مجرمیت را مثلاً در جرم تطهیر سرمایه‌ها و درآمدهای نامشروع پذیرفته‌اند و بار اثبات دلیل را جابه‌جا کرده‌اند.^{۵۰}

۴۹. برای مطالعه بیشتر رک.

- D. Mockle, *Mondialisation et état de droit*, Bruylant, 2002, pp. 141-159/383-398.
- Z. Laidi, *Mondialisation et démocratie*, *Revue Politique Etrangère*. N3-2001, pp. 603-618.

۵۰. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک.

- می. ری دلماس مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، تهران: میزان، ۱۳۸۷ (به ویژه دیباچه: حقوق کیفری و جهانی شدن، صص ۲۵-۱۰).

علاوه بر این، تحولات اصول و نهادهای حقوق کیفری بی‌تاثیر از یافته‌های حقوق تطبیقی نیست و بدیهی است دستاوردهای حقوق تطبیقی در قلمروهای کیفری، قضایی و همچنین به‌طور کلی در سیاست جنایی در کنار نهادهای حقوق بین‌الملل برای نزدیک شدن و هم‌گرایی نظام‌های کیفری داخلی نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

فرایند جهانی شدن حقوق، حاکمیت تقنینی دولت‌ها را تحت فشار می‌گذارد تا در نظام‌های حقوق داخلی خود به نفع نظام جهانی حقوق امتیاز بدهند. با این همه وقتی دولت‌ها به هنگام پیوستن به یک معاهده بین‌المللی، باید آن را به تصویب مراجع ذی‌صلاح داخلی برسانند و چنانچه در کنوانسیون منع نشده باشد یا با «هدف و منظور معاهده، مغایرت نداشته باشد»^{۵۱} می‌توانند با استفاده از حق شرط^{۵۲} یا اعلامیه^{۵۳} عدم التزام به برخی از مفاد کنوانسیون را اعلام دارند. این فرایند از جمله مصادیق مهم اعمال حقوق فرهنگی و اجتماعی خاص دولت‌ها در زمان پیوستن به جامعه جهانی بوده و از مهم‌ترین بسترها برای بومی‌سازی در عین جهانی شدن است. امکانی که فی‌المثل بسیاری از کشورهای اسلامی عضو کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از آن استفاده

←

- علی حسین نجفی ابرندآبادی، دیباچه در کتاب: جورج پی فلیچر، مفاهیم بنیادین کیفری، ترجمه سید

مهدی سیدزاده ثانی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴.

۵۱. بند ج ماده ۱۹ عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات.

52. Reservation.

53. Declaration.

نموده و امیزه‌ای از جهانی شدن و بومی‌سازی را ایجاد کرده‌اند.^{۵۴} در مواجهه با چنین واقعیتی بومی‌سازی مثبت می‌تواند سپری فرهنگی برای حفظ حاکمیت ملی به مفهوم گسترده آن محسوب شود.

۵۴. رک. رئیسی، مهدی، کنوانسیون زنان: بررسی فقهی و حقوقی الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قم: نسیم قدس، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۱۶-۲۲.

نتیجه‌گیری

داعیه‌ی حقوق آن است که عدالت محقق گردد. در حقوق هدف همه‌ی ابزار مادی، معنوی، انسانی و قانونی ایثار و فداشدن به پای مجسمه‌ی زیبای عدالت است. هر متدولوژی علوم انسانی که راهی را به سوی این هدف هموار کند، به جامعه‌ی انسانی کمک کرده است. درگیرودار کاربرد ابزار گوناگون تحقق عدالت، ما ابزار مفید بومی و سنتی داریم؛ اما بی‌نیاز از ابزار بیگانه نیستیم.

مهم نیست که به جای سنتور یا در کنار آن از پیانو استفاده کنیم. مهم این است که با همین ابزار موسیقی بیگانه‌های بومی خود را بنوازیم.

منابع

۱. افشار، حسن، کلیات حقوق تطبیقی، تهران، چاپخانه کیهان، ۱۳۴۶.
۲. پاشا صالح، علی، سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۳. حسن‌وند، محسن، دستورگرایی در عرصه فراملی، بررسی نمونه اتحادیه اروپا، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۴. حکمت‌نیا، محمود، «بومی‌سازی نهادهای حقوقی با رویکرد اسلامی»، مجله فقه و حقوق، سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۸۴.
۵. داوید، رنه و ژوفره اسپینوزی، کامی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، تلخیص و ترجمه سیدحسین صفایی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
۶. دل‌ماس - مارتی، می. ری، جهانی شدن حقوق: چالش‌های سه گانه، ترجمه علیرضا میلانی، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۷. دل‌ماس مارتی، می. ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
۸. دل‌ماس - مارتی، می. ری، «به دنبال حقوق جزای مشترک اروپایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، شماره بیست و یکم، ۱۳۷۶.
۹. رئیس، مهدی، کنوانسیون زنان: بررسی فقهی و حقوقی الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قم، نسیم قدس، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۱۰. ربانی، رسول و احمدی، یعقوب، «جهانی شدن و آینده فرهنگ‌های بومی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۴.
۱۱. رفیعی، محمدتقی، حقوق تطبیقی، تهران، مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۲. ساکت، محمدحسین، حقوق‌شناسی (دیباچه‌ای بر دانش حقوق)، تهران، ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۳. سیمایی صراف، حسین، قیاس در استدلال حقوقی؛ مطالعه تطبیقی در فقه، نظام حقوقی ایران و کامن‌لا، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۱۴. شیروی، عبدالحسین، حقوق تطبیقی، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
۱۵. کاتبرت، مایک، حقوق اتحادیه اروپا، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۶. کدخدایی، عباس، ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۷. لوی برول، هانری، جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.
۱۸. معتمدنژاد، رویا، «دیوان اروپایی حقوق بشر و پشتیبانی از آزادی مطبوعات»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۶-۲۱۵.
۱۹. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، دیباچه در: جورج پی فلچر، مفاهیم بنیادین کیفی،

ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴.

20. Journal Officiel de La République Française du 2 Octobre 2004, Texte 1 Sur 89.
21. Laidi, Z., Mondialisation et démocratie, Revue Politique Etrangère. N3-2001.
22. Malraux, André, Les Voix du Silence, Paris, 1964.
23. Mockle, D., Mondialisation et état de droit, Bruylant, 2002.
24. Montesquieu, Lettres Persanes, éd Gallimard, Paris, 1973.
25. Oberdorff, H., Les Constitutions de l'europe des Douze, df., 2e. é d., 1999.
26. Rodière, René, Introduction au droit Comparé Dalloz, 1979.
27. Virally, Michel, "Les différends Juridiques Irano - Américains, La Confrontation entre deux Civilisations", in Annales de Fondation des Sciencs politiques, 1986.
28. W. Czaplinski, Poland's Way to the European Union - Legal Aspects, Warsaw Scholak Publishing House, 2002.
29. www.Legifrance, gouv.
30. www. eurogersinfo. Com.
31. www. Conseil-etat. Fr (Commouniqué de Presse du 8 Février 2007).